مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.

شاپور بارز، استاد دانشگاه

۲۰۲۱/۰۲/۲۱

بن بست مذاکرات دوحه؛ عوامل و زمینه‌ها

بحث مذاکرات صلح با طالبان زمانی اوج گرفت که ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۹ توانست، رهبران طالبان را قناعت دهد که از طریق گفت‌وگو به جنگ افغانستان پایان دهند. ۱۸ ماه مذاکره فرسایشی زلمی خلیل‌زاد با طالبان که در نتیجه آن توافق‌نامه ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ رقم خورد، در واقع مقدمات مذاکرات حکومت افغانستان را نیز با گروه طالبان فراهم ساخت و این باعث شد تا دولت افغانستان برای نخستین بار بعد از ۱۹ سال جنگ، با نماینده‌گان سیاسی طالبان رو در رو به بحث و مذاکره بپردازد، تا در نتیجه آن دو طرف به یک نسخه واحد و راه حل سیاسی برای ختم جنگ افغانستان دست پیدا کنند. افتتاح مذاکرات هیأت جمهوری اسلامی افغانستان با نماینده‌گان طالبان در ۲۲ سنبله سال جاری در قطر، با امیدهای فراوان برای پایان یافتن جنگ و برقراری صلح در کشور به همراه بود؛ اما دیری نگذشت که با بن‌بست مذاکرات و عدم پیش‌رفت کاری هیأت‌های مذاکره‌کننده دو طرف و همچنان تداوم و گسترش جنگ در کشور، این امیدها دوباره به یأس مبدل شد.

دور دوم مذاکرات هیأت دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان نیز که در ۱۷ جدی سال روان آغاز شد، با گذشت بیش‌تر از یک ماه نه تنها هیچ نشانه‌ای از پیش‌رفت در آن دیده نمی‌شود، بلکه این مذاکرات به قول ضمیر کابلوف، نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان، عملاً با بن‌بست مواجه و متوقف شده است. طالبان در این مرحله چندان تمایلی به ادامه مذاکرات نشان ندادند و در عوض اهدافی را که می‌بایست در میز مذاکره با هیأت جمهوریت مطرح می‌کردند، در تهران، مسکو و عشق‌آباد مطرح کردند و حالا به میز مذاکره حاضر نمی‌شوند.

طالبان زمانی میز مذاکره را ترک کردند که دولت جدید امریکا به رهبری جو بایدن اعلام کرد که «توافق‌نامه امریکا با طالبان» را بررسی می‌کند. واقعیت امر این است که طالبان در تبانی با پاکستان روی نسخه‌ای با دولت امریکا به رهبری دونالد ترمپ در خصوص آینده افغانستان به توافق رسیده بودند که در نتیجه آن، این گروه قدرتمند می‌شد و زمینه‌های فروپاشی نظام کنونی را فراهم می‌کرد و البته در این زمینه به موفقیت‌های خوبی هم دست یافته است که بهترین نمونه آن توافق‌نامه سیاسی طالبان با امریکا می‌تواند باشد. اما با شکست ترمپ در انتخابات ۲۰۲۰ ایالات متحده، نقشه‌های طالبان به هم خورد و دولت افغانستان به رهبری رییس جمهور غنی جان تازه گرفت. اگر ترمپ پیروز انتخابات امریکا اعلام می‌شد، قطعاً طالبان نیز پیروز میدان بودند؛ اما حالا وضعیت فرق می‌کند. در کنار بازنگری «توافق‌نامه دوحه»، بحث عدم خروج نیروهای امریکایی از افغانستان و حمایت قاطع ناتو و نیروهای خارجی از نهادهای امنیتی و حکومت این کشور، به عنوان دو مسأله بسیار مهم برای طالبان مطرح بحث است. این‌که طالبان رفتن به تهران، مسکو و عشق‌آباد را نسبت به مذاکرات دوحه ترجیح می‌دهند، ریشه در همین مسأله دارد. آن‌ها فکر می‌کنند که با مراجعه به آدرس‌های مخالفان دولت امریکا می‌توانند بر ایالات متحده فشار وارد کنند، تا دولت جدید به توافق‌نامه ۲۹ فبروری متعهد باقی بماند. اما معلوم می‌شود که دولت جدید امریکا به رهبری جو بایدن به پیامدهای خطرناک خروج غیرمسوولانه نیروهای نظامی امریکایی و قدرتمند شدن طالبان در افغانستان، آگاه است و به این زودی‌ها به خواسته‌های این گروه تن نمی‌دهد.

اما کندی مذاکرات و عدم پیش‌رفت در کار هیأت‌های مذاکره‌کننده دو طرف در دوحه، موضوعی است که برمی‌گردد به عمق بینش و نگاه طالبان به پدیده صلح و مذاکره. واقعیت امر این است که طالبان به لحاظ فکری به گفت‌وگو اعتقادی ندارند. آن‌ها زمانی به مذاکره تن می‌دهند که پیروزی مطلق خودشان و شکست قطعی رقیب از قبل روشن باشد. در صورتی که نگاه مطلق‌گرایانه به پیروزی خود و شکست جانب مقابل، پیش‌فرض گروه‌های درگیر باشد، گفت‌وگو در باب صلح چیزی جز ضایع کردن وقت نیست. صلح زمانی برقرار می‌شود که طرف‌های جنگ واقعاً بپذیرند که تفنگ را به زمین می‌گذارند و با از خودگذری‌ها و کوتاه آمدن‌ها و درعین‌حال امتیاز گرفتن‌ها به سمت برقراری صلح و آرامش گام‌های عملی را بردارند. پس، از این زاویه که بنگریم، گروه طالبان به آن حد بلوغ سیاسی و مدنی نرسیده است که با رقیب و یا دشمن خود روی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

میز مذاکره به چانه‌زنی بپردازد و از طریق سخن و زبان از جانب مقابل امتیاز کسب کند. این گروه جز تفنگ و گلوله چیز دیگری در چانته ندارد که برای مردم و مخاطبان خود تقدیم کند، از این جهت رو آورده است به جنگ تا از این طریق به قدرت برسد. اگر بحث انتخابات امریکا و یک سلسله اهداف خاص و غیرعقلانی ترمپ نبود، طالبان به هیچ عنوان نمی‌توانستند در مذاکره با خلیل‌زاد موفقیت به دست آورند. پیروزی طالبان در توافق‌نامه ۲۹ فبروری بیش‌تر به ضعف و ناکارایی اداره دونالد ترمپ و تلاش‌های پاکستان بسته‌گی داشت، تا خوب درخشیدن این گروه در میز مذاکره. به همین خاطر است که با شکست ترمپ در انتخابات، توافق‌نامه هم کارایی خود را از دست داده است.

طالبان در ۲۵ سال حضورشان در جنگ افغانستان نشان داده‌اند که به عنوان یک گروه ایدیولوژیک و تمامیت‌خواه به صلح و فضایی که در آن تنوع افکار و کثرت‌گرایی حاکم باشد، اعتقاد ندارند. این گروه با آن‌که در نخستین حرکت خود در سال ۱۹۹۵ با پرچم سفید و شعار صلح و ختم جنگ‌های داخلی وارد افغانستان شد؛ اما در عمل نشان داد که با صلح و ثبات، بیش‌تر از هر پدیده دیگری در ستیز است. احمدشاه مسعود، وزیر دفاع دولت اسلامی افغانستان قبل از تأسیس جبهه مقاومت، در چهار آسیاب کابل جهت گشودن باب مذاکره و یافتن راه حل سیاسی با طالبان دیدار کرد؛ اما طالبان کوچک‌ترین تمایلی برای صلح نشان ندادند. دیدار احمدشاه مسعود، قهرمان ملی افغانستان با سران طالبان در دهه ۹۰ در واقع آغازی برای مباحثه و گفت‌گوی صلح با طالبان پنداشته می‌شود که از سوی این گروه رد شد. حتا مسعود پیشنهاد کرد که «صاحب‌نظران دینی و علما باید از سراسر کشور کنار هم بیایند و در پیوند به حکومت اسلامی که قرار است، به میان آید، صحبت کنند و به توافق برسند»؛ اما این پیشنهاد او نیز از سوی این گروه رد شد و طالبان خواهان تسلیم شدن او شدند. اینجا دوباره دیده می‌شود که گروه طالبان در پی حاکمیت و پیروزی مطلق بر افغانستان بوده است و این طرز دید آن‌ها باعث شد که مذاکرات دولت سلامی افغانستان با طالبان با شکست مواجه شود.

پس از رویداد یازدهم سپتامبر نیز وقتی امریکا از پاکستان خواست که اسامه بن لادن، رهبر شبکه تروریستی القاعده را تسلیم کند، جنرال مشرف، آقای محمود، رییس سازمان استخبارات پاکستان را با جمعی از علمای دینی جهت مذاکره به قندهار فرستاد تا ملا عمر را قانع سازد که بن لادن را تسلیم امریکا کند. در این مذاکره بازهم دیده می‌شود که رهبری طالبان بدون درک حساسیت موضوع تصمیم می‌گیرد و نمی‌تواند وضعیت را به نفع امارت خود رقم بزند و با پاسخ منفی به هیأت پاکستانی، بساط امارتش نیز از افغانستان برچیده می‌شود.

دور دوم ریاست جمهوری حامد کرزی، سومین مرحله‌ای است که با گشایش شورای عالی صلح در افغانستان، طالبان به صلح و مذاکره دعوت می‌شوند؛ اما به جای استفاده از این فرصت خوب، خلاف تمام اصول و موازین انسانی و اخلاقی، فردی که خود را نماینده طالبان معرفی کرده بود، برهان‌الدین ربانی، رییس این شورا را با انفجار مواد همراهش در سال ۱۳۹۰ ترور کرد. طالبان با این عمل خود نشان دادند که هیچ اعتقاد و باور دینی و اخلاقی به صلح و مذاکره ندارند.

امروز هم، اگر طالبان بعد از ۲۰ سال، یک‌بار دیگر به پای میز مذاکره حاضر شده‌اند، به خاطر پیش‌فرضی است که در ذهن دارند و آن پیش‌فرض مبتنی بر روایت پیروزی مطلق است. یک دور مذاکره طالبان با هیأت جمهوریت نشان داد که آن‌ها مفهوم «بده و بستان» در میز مذاکره را نمی‌دانند. مشکل اساسی طالبان این است که نتیجه مذاکره را قبل از شروع مذاکره می‌خواهند که این نگاه هیچ سابقه تاریخی در مذاکرات سیاسی ندارد.

پس اگر ما یک نگاه گذرا به سیر حرکت و نوع سیاست‌ورزی طالبان در بستر تاریخی داشته باشیم، به وضوح در می‌یابیم که طالبان با مفاهیمی چون مذاکره، مباحثه، صلح و گفتمان باور چندانی ندارند و صرف «جنگ» را عامل پیروزی می‌دانند که شاید ایدیولوژیک بودن این گروه کمک زیادی در شکل‌گیری چنین تفکری داشته است. بنابراین، دیده می‌شود که تا زمانی که تغییر در رهبری ایالات متحده امریکا به وجود نیامده بود و وضعیت بر مراد طالبان می‌چرخید، این گروه دوحه را محل مناسب برای رسیدن به خواسته‌های خود می‌دانست. اما در دور دوم مذاکرات دوحه، وقتی دولت جدید امریکا نگاه متفاوتی به مذاکرات و بحث صلح افغانستان پیدا کرد، طالبان نیز مسیر و هدفی را که تعیین کرده بودند، تغییر دادند؛ لذا به جای بحث و گفت‌وگو با هیأت جمهوری اسلامی افغانستان، به سفرهای منطقه‌ای پرداختند و با مطرح کردن مباحثی چون ایجاد «حکومت موقت» و «کنار رفتن رییس جمهور غنی از سمتش» نه تنها از قاعده مذاکره فراتر رفتند، بلکه عملاً نشان دادند که مذاکرات دوحه برای آنان بازیچه‌ای بیش نیست. آن‌ها با این کارشان آشکارا بحث گفت‌وگو را منتفی ساختند. شاید این نوع برخورد اقتدارگرایانه آن‌ها ناشی از این است که دریچه صلح بدون قید و شرط و همیشه برای‌شان باز بوده است.

حالا طالبان دو گزینه روی دست دارند. نخست این‌که در تبانی با حامیان منطقه‌ای خود می‌خواهند فشار حداکثری را بالای ایالات متحده امریکا وارد کنند، تا این کشور به توافق‌نامه ۲۹ فبروری متعهد باقی بماند و با تطبیق مواد مندرج این توافق‌نامه سربازانش را از افغانستان خارج کند. اما این گزینه با توجه به اظهارات مقامات سیاسی و نظامی واشنگتن ناممکن خواهد بود و هیچ فشاری امریکا را وادار نخواهد کرد که مطابق

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

میل طالبان عمل کند. ایالات متحده پس از ترمپ برنامه خود را دارد که طالبان فکر می‌کنند به ضررشان است.
گزینه دوم این است که تا بهار سال آینده اگر امریکا بحث خروج نیروهایش را معلوم نکند و به توافق‌نامه دوحه پابندی نشان ندهد، طالبان برای یک مرحله طولانی دیگر میز مذاکره را ترک خواهند گفت و همچنان به جنگ و خون‌ریزی در افغانستان ادامه خواهند داد که در صورت رفتن طالبان به این سمت، حکومت افغانستان باید آماده‌گی‌های لازم را داشته باشد، تا از خاک و تمامیت ارضی افغانستان دفاع کند، در غیر آن، سال بعدی باز هم یک سال پر چالش و همان‌طوری که گفته‌اند، سال «خونین» برای مردم افغانستان خواهد بود.
پس تساهل و مدارای دولت جمهوری اسلامی افغانستان در برابر طالبان، بیش از این منطق ندارد. وقتی نماینده‌گان این گروه عملاً میز مذاکره را ترک گفته‌اند و در حال سفر به پایتخت‌های کشورهای منطقه هستند، این همه خوش‌بینی برای چیست و هیأت دولت افغانستان در قطر چه کار می‌کند؟ چرا باید دروازه مذاکره و گفت‌وگو همیشه و در همه حال برای طالبان باز باشد؟ چرا یک معیار و اصول و یا یک چارچوب واضح برای ازسرگیری گفت‌وگوها طرح نمی‌شود؟ شورای مصالحه ملی باید تمام اعضای هیأت خود را به کابل بخواهد و دور بعدی گفت‌وگوها را به شرط برقراری «آتش‌بس عمومی» آغاز کند، در غیر آن، طالبان به این راحتی‌ها تن به صلح نخواهند داد. سخنان و اقدامات آن‌ها در باب صلح سراب و دروغی بیش نیست. گروهی که به مذاکره اعتقاد نداشته باشد، چگونه می‌توان با آن بحث و گفت‌وگو کرد؟

با تشکر از روزنامهء هشت صبح

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ